

کلیدواژه‌ها: سواد سنتی، سواد مدرن، سواد بصری

در طی قرن گذشته کارکرد نظام تعلیم و تربیت به سوادآموزی به تعبیر سنتی آن محدود بود؛ به این معنی که کودک به مراکز آموزشی می‌رفت تا خواندن، نوشتن و حساب کردن بیاموزد. مهارت‌هایی که جهت حضور مسئولانه در عرصه اجتماعی آن عصر حیاتی می‌نمود. البته در روزگار حاضر نیز این مهارت‌ها حائز اهمیت‌اند اما سوادآموزی این چینی در عصر ارتباطات به‌نظر فقط نامی از باسواد شدن را به همراه دارد و نه نشانی از آن را؛ چرا که تسلط فناوری موجبات فرو ریختن شالوده سنتی مفهوم سواد را در قلمرو زندگی اجتماعی فراهم نموده است. مک لوهان، صاحب‌نظر علوم ارتباطات، در کتاب خود با نام «درک رسانه: گسترش ابعاد وجودی انسان» برای نخستین‌بار به موضوع مزبور اشاره و تصریح می‌کند که در زمان تحقق دهکده جهانی، ساکنان آن فارغ از خواندن و نوشتن و حساب کردن لازم است به سوادهایی نوین دست یابند. بارون، مدیر بخش چندرسانه‌ای و عضو هیئت مدیره آموزشکده زبان انگلیسی مونترال، آگاهی از سوادهای نوین را جزء مؤلفه‌های باسوادی می‌داند و معتقد است که امروزه فرد باسواد باید توانایی رمزگشایی، درک، ارزیابی و کار با اشکال مختلف رسانه را داشته باشد و بتواند متن، صدا و تصویر را بیافریند یا نسبت به صورت‌بندی این عناصر آگاه باشد. رشد و گسترش فناوری‌های رقمی سبب برقراری نسبت‌هایی نوین بین انسان و عناصر و اجزای مختلف زندگی در دوران مدرن شده و آن را به یک بی‌سوادی نوین و نیازی همه‌گیر به آموختن و یادگیری سوادهای مدرن دچار کرده است. اهمیت روزافزون سوادهای مدرن تا بدان جا پیش رفته که یونسکو در اقدامات خود برای بسط سوادآموزی تنها به روش‌های سنتی سوادآموزی اکتفا نکرده و از ضرورت توجه به سواد رسانه‌ای، سواد دیجیتال، سواد رایانه‌ای، سواد اطلاعاتی و سواد آی‌سی‌تی سخن به میان آورده است. می‌توان ادعا کرد که امروزه کسی باسواد شمرده می‌شود که از نظر شناخت مهارت‌های ارتباطی و کاربرد رایانه و اینترنت توانمند باشد. البته باید تصریح نمود که باسواد شدن به مفهوم و باور سنتی آن نیز هیچ‌گاه برای جهانیان سهل و ممتنع نبود؛ کما اینکه در حال حاضر نیز در اقصی نقاط عالم مسئله‌ای مهم و بغرنج است. کسب سواد بصری نیز که به تعبیر راقم این سطور می‌تواند در زمره سوادهای مدرن دسته‌بندی شود، بی‌شبهت به کسب سواد سنتی نیست ولی طرح موضوع سواد بصری در ظاهر دچار تناقضی بنیادی است؛ زیرا اکثر افراد، به ویژه نوآموزان دوره پیش دبستانی، بینا، آگاه و کم‌ویش برخوردار از توانایی خدادادی دیدن هستند. هر کودکی که نابینا نیست لزوماً می‌تواند ببیند و از این رو پرسشی هم‌زمان در ذهن مربی و والدین کلید می‌خورد: کودک به تحصیل چیزی که می‌بیند و بالطبع می‌داند، چه نیازی دارد؟ پاسخ درخور این است که سواد بصری از استلزامات زندگی کودک در قرن بیست‌ویکم و دانش و مهارتی بیش از توانایی دیدن و ساختن پیام به هر شیوه است.

سیدغلامرضا فلسفی

کارشناس ارشد علوم ارتباطات اجتماعی و

کارشناس دفتر تألیف

آموختن سواد بصری

لازمه زندگی کودک در دنیای تصویر

لازم است قبل از ورود به بحث، جهت تبیین اهمیت سواد بصری دیدگاه مک لوهان را درباره سه دوره زندگی اجتماعی به اختصار یادآوری کنیم:

الف. دوره اول زندگی اجتماعی دوره قبيله‌ای نام گرفت. ارتباط در این دوره به‌طور غالب شفاهی، رو در رو، چهره‌به‌چهره و بی‌واسطه و حس غالب در آن شنیداری بوده است.

ب. دوره دوم دوره قبيله‌زدایی است. ارتباط در این دوره اغلب کتبی بود و پیام‌ها به روش دیداری منتقل می‌شدند. حس غالب دیداری بود و ارتباطات مکتوب موجب جدایی انسان از محیط پیرامون و گروه اجتماعی خویش شد.

ج. دوره سوم پس از ۱۹۰۰ میلادی با عنوان قبيله‌ای شدن مجدد به واسطه ارتباطات الکترونیکی (رادیو و تلویزیون) اتفاق افتاد. در این دوره، ارتباطات شفاهی مجدداً اعتبار یافتند و حس غالب شنیداری شد. این امر رجعتی به نظام قبيله‌ای لیکن در سطحی جهانی است که به همین اعتبار آن را دهکده جهانی می‌خوانند.

با وجود این، به‌نظر می‌رسد که پس از رواج استفاده از رایانه‌ها و بعد تلفن همراه هوشمند، و با توجه به نفوذ شبکه‌های اجتماعی و نرم‌افزارهای پیام‌رسان فوری، این معادله دوباره در حال بازگشت به سمت غلبه حس دیداری است، منتها نه در قالب ارتباطات مکتوب، بلکه به‌صورت ارتباطات دیجیتال تصویری. امروز دیگر حتی بسیاری از ارتباطات تلفنی هم به پیام‌های کوتاه متنی و مشاهده در صفحات موبایل مبدل شده‌اند. در زمانه ما، بسیاری از کودکان حتی در روستاها چشم به صفحه نروانی موبایل، تبلت یا رایانه دوخته‌اند و ارتباطات معنایی و حتی حسی خود را نیز در آن جست‌وجو می‌کنند. امروزه شکلک‌ها (اموجی‌ها و استیکرها) جای ابزار احساسات را که قبلاً تنها از طریق چهره یا تغییرات آوایی قابل تشخیص بودند، گرفته‌اند. به زودی ارتباط غالب، ارتباط تصویری می‌شود که مجموعه‌ای

دوره	ارتباطات غالب	رسانه مسلط	دوره زمانی
قبيله‌ای	شفاهی	گفتار	قبل از ۱۵۰۰ میلادی
قبيله‌زدایی (عصر گوتنبرگ)	کتبی	رسانه‌های چاپی	۱۵۰۰ تا ۱۹۰۰ میلادی
قبيله‌ای شدن مجدد (عصر مارکونی)	شفاهی	رادیو و تلویزیون	۱۹۰۰ میلادی به بعد

چرا تصاویر بهتر از الفاظ ارتباط برقرار می‌کنند؟

تصاویر نسبت به نوشته‌ها در زمان کوتاه‌تری پردازش می‌شوند.



افراد تصاویر را ۶۰/۱۰۰۰

مرتبه سریع‌تر از متن پردازش می‌کنند.



در فیس‌بوک تصاویر در مقایسه با متن‌ها و ویدئوها، بیشتر مورد پسند (Like) واقع می‌شود.



ما چیزهای جدید و مختلف را در صورتی که به‌صورت تصویری ارائه شوند، راحت‌تر به‌خاطر می‌آوریم.



۹۳ درصد

از ارتباطات غیر کلامی است.



۶۰ درصد

از مردم به‌صورت تصویری آموزش می‌بینند.

رشد مخابرات ناشرانی که از اینفوگرافیک استفاده می‌کنند، به‌طور میانگین



۱۳ درصد

بیشتر از سایر ناشران است.



پایگاه تصویری pinterest بیشتر از مجموع یوتیوب، گوگل، توئیتر و لینک‌دین ارجاع برای مقاصد تجاری داشته است.

از متن، گرافیک، عکس، نمادها، و تزیینات است. البته مکالمات ویدیویی را نیز می‌توان در این تعریف قرار داد. تمامی این‌ها اهمیت آموختن این سواد مدرن را توسط کودک نشان می‌دهد. آموختن سواد بصری مستلزم آن است که کودک ابتدا ماهیت وسایل بصری را بشناسد و سپس بر پایه این شناخت، پیام رسانه را به درستی درک کند. برای رسیدن به چنین هدفی، مربی پیش‌دستانی باید بداند که تنها نباید به توانایی بنیادی نوآموز و همچنین سلیقه شخصی و استعداد فطری او متکی بود. آگاهی طفل از یک پدیده بصری فقط از طریق دیدن حاصل نمی‌شود بلکه تمامی حواس وی در کسب این دریافت فعالانه شرکت می‌کنند. این دریافت آگاهانه، چیدمان پازلی پیام نیست بلکه تمامی واحدهای مرتبط را در قالب یک کل در برمی‌گیرد. کودک مانند سایر انسان‌ها این کلیت‌های بصری را از راه چشم‌ها و سایر حواس خود با سرعتی زیاد و البته با درصد تأثیر پذیری بالا دریافت می‌کند. سواد بصری می‌تواند سیستمی از پیام‌ها و تجارب بصری عام را در اختیار نوآموز قرار دهد تا بتواند در فهم آن‌ها در فضای گفتمانی عمومی اشتراک نظر پیدا کند. گذشته از این، آموزش سواد بصری به کودک نوید آن را می‌دهد که در طراز خروجی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی، افرادی تربیت شوند که بتوانند پیام‌ها و پدیده‌های بصری در سطح عالی را رمزگشایی نمایند. شما هم احتمالاً با راقم این سطور هم‌رأی هستید که زبان وسیله‌ای برای برقراری ارتباط است. ارتباط بصری نیز سیستمی است که به موازات زبان گفتاری و به‌طور کلی، پیام رشد یافته است. درست است که نمی‌توان کورکورانه از شیوه‌های آموزش زبان گفتاری و نوشتاری برای آموزش سواد بصری الگو گرفت ولی می‌توان با مشاهده آن، نکاتی مفید را برای آموزش این سواد مدرن استخراج کرد. برای تحصیل سواد

ارتباطات بصری چیست؟
ارتباطات بصری باعث می‌شود مفاهیم و اطلاعات به صورتی متعلق شود که بدون آن کارایی و با آموختن

چقدر موثر است؟
هر تصویر بر آن به هزار کلمه است.

آگاهی از یک پدیده بصری فقط از طریق دیدن حاصل نمی‌شود بلکه تمامی حواس وی در کسب این دریافت فعالانه شرکت می‌کنند. این دریافت آگاهانه، چیدمان پازلی پیام نیست بلکه تمامی واحدهای مرتبط را در قالب یک کل در برمی‌گیرد. کودک مانند سایر انسان‌ها این کلیت‌های بصری را از راه چشم‌ها و سایر حواس خود با سرعتی زیاد و البته با درصد تأثیر پذیری بالا دریافت می‌کند. سواد بصری می‌تواند سیستمی از پیام‌ها و تجارب بصری عام را در اختیار نوآموز قرار دهد تا بتواند در فهم آن‌ها در فضای گفتمانی عمومی اشتراک نظر پیدا کند. گذشته از این، آموزش سواد بصری به کودک نوید آن را می‌دهد که در طراز خروجی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی، افرادی تربیت شوند که بتوانند پیام‌ها و پدیده‌های بصری در سطح عالی را رمزگشایی نمایند. شما هم احتمالاً با راقم این سطور هم‌رأی هستید که زبان وسیله‌ای برای برقراری ارتباط است. ارتباط بصری نیز سیستمی است که به موازات زبان گفتاری و به‌طور کلی، پیام رشد یافته است. درست است که نمی‌توان کورکورانه از شیوه‌های آموزش زبان گفتاری و نوشتاری برای آموزش سواد بصری الگو گرفت ولی می‌توان با مشاهده آن، نکاتی مفید را برای آموزش این سواد مدرن استخراج کرد. برای تحصیل سواد

ارتباطات بصری چیست؟
ارتباطات بصری باعث می‌شود مفاهیم و اطلاعات به صورتی متعلق شود که بدون آن کارایی و با آموختن

چقدر موثر است؟
هر تصویر بر آن به هزار کلمه است.

آگاهی از یک پدیده بصری فقط از طریق دیدن حاصل نمی‌شود بلکه تمامی حواس وی در کسب این دریافت فعالانه شرکت می‌کنند. این دریافت آگاهانه، چیدمان پازلی پیام نیست بلکه تمامی واحدهای مرتبط را در قالب یک کل در برمی‌گیرد. کودک مانند سایر انسان‌ها این کلیت‌های بصری را از راه چشم‌ها و سایر حواس خود با سرعتی زیاد و البته با درصد تأثیر پذیری بالا دریافت می‌کند. سواد بصری می‌تواند سیستمی از پیام‌ها و تجارب بصری عام را در اختیار نوآموز قرار دهد تا بتواند در فهم آن‌ها در فضای گفتمانی عمومی اشتراک نظر پیدا کند. گذشته از این، آموزش سواد بصری به کودک نوید آن را می‌دهد که در طراز خروجی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی، افرادی تربیت شوند که بتوانند پیام‌ها و پدیده‌های بصری در سطح عالی را رمزگشایی نمایند. شما هم احتمالاً با راقم این سطور هم‌رأی هستید که زبان وسیله‌ای برای برقراری ارتباط است. ارتباط بصری نیز سیستمی است که به موازات زبان گفتاری و به‌طور کلی، پیام رشد یافته است. درست است که نمی‌توان کورکورانه از شیوه‌های آموزش زبان گفتاری و نوشتاری برای آموزش سواد بصری الگو گرفت ولی می‌توان با مشاهده آن، نکاتی مفید را برای آموزش این سواد مدرن استخراج کرد. برای تحصیل سواد

آموختن سواد بصری از استلزامات زندگی کودک در قرن بیست و یکم و دانش و مهارت‌های بیشتر از توانایی دیدن و ساختن پیام به هر شیوه است

بصری، ابتدا باید ارکان مختلف آن را به کودک شناساند و او را با عناصر اولیه بصری و ساخت و قواعد حاکم بر آن‌ها و سازوکارهای حسی، تکنیک‌ها، سبک‌ها، سیستم‌های ارتباط بصری آشنا نمود تا به هنگام استفاده با تسلط کامل عمل کند. همان‌طور که کودک در دوره ابتدایی موفق می‌شود زبان و مهارت‌های خواندن و نوشتن را به درستی درک و با چیرگی از آن‌ها استفاده کند، دستیابی به سواد بصری نیز در دوره پیش‌دبستانی مستلزم فهم برخی نکات بنیادین است. معلم کلاس اول برای آموزش خواندن و نوشتن از پایه شروع می‌کند؛ یعنی الفبا را به دانش آموز می‌آموزاند و مربی پیش‌دبستانی نیز برای آموزش سواد بصری به نوآموز، از ساده‌ترین اجزای تصویر - یعنی عناصر اولیه بصری اعم از نقطه، خط، شکل، جهت، رنگ‌مایه، رنگ، بافت، مقیاس، بعد سوم، و حرکت - آغاز می‌کند تا کیفیت، خصوصیت و قدرت بیان‌کنندگی آن‌ها توسط کودک درک شود. به این ترتیب، فرایند یاددهی یادگیری مزبور نه تنها نمی‌تواند سریع‌تر از یادگیری الفبا مستقر شود بلکه از آنجا که پیام بصری از حیث تداعی معانی و تعریف بسیار گسترده‌تر از پیام کلامی است، ممکن است یادگیری مقدمات آن بیش از یادگیری الفبا به درازا بکشد. بر اثر آموزش مقدماتی، نوآموز باید آشنایی بسیار نزدیک و فهمی عمیق نسبت به عناصر اولیه بصری کسب کند. به عبارت دیگر، قدرت تشخیص و مهارت استفاده از عناصر بصری در ذهن او باید به مراتب فراتر از دانش ارتقا یابد و علاوه بر بخش آگاه ذهنش، در ناخودآگاه ذهن او نیز ریشه بدواند تا هنگام مشاهده عکس و فیلم خودبه‌خود و به طرفه‌العینی در ذهن متبادر شود. این آموخته‌ها باید همیشه در ذهن کودک حاضر و بارز باشند تا به هنگام مواجهه با پیام مرتبط از آن‌ها یاری گیرد. پس از دوره طولانی آشنایی با عناصر بصری، نتیجه

کار در نظرگاه کودک همان قدر تغییر به وجود می‌آورد که پس از آموختن حروف الفبا در کلاس اول ابتدایی، با این تفاوت که نوآموز نمی‌تواند آموخته‌های ناشی از سواد بصری را همچون حضور دانش‌آموز اول ابتدایی در جشن الفبا با صدایی رسا قرائت و به خطی خوش کتابت کند. آموزش سواد بصری به نوآموز به هیچ وجه سهل نیست و نباید به آن رویکردی سهل‌انگارانه داشت. ممارست مربی و نوآموز در فرایند یاددهی - یادگیری این دانش اگر بیش از آموزش حروف الفبا در دوره ابتدایی نباشد، کم از آن ندارد. اگر مربی به ارزش و غنای سواد بصری به درستی پی ببرد، از تعب در آموزش به مخاطب شکوه نمی‌کند. هرچند کاسبان کتاب‌های به اصطلاح کمک‌آموزشی در این خصوص نیز مکتوباتی خوش‌آب‌ورنگ را راهی بازار مکاره نشر کرده‌اند، لیکن نسخه‌های این حکیمان جعلی نه تنها شفاف‌بخش نیست بلکه مانع بروز و ظهور توانایی‌های همه‌جانبه کودک در عرصه سواد بصری می‌شود. مربی پیش‌دبستانی می‌داند که مخاطبش کاربر - شهروندی است با ژن دیجیتالی و ساکن دهکده جهانی که بیش از او ویژگی می‌کند و سریع‌تر از والدین خود موشواره را به حرکت درمی‌آورد. این کودک بزرگ‌سال در بازار پیام‌های رسانه‌ای فزون‌تر از دیگر نسل‌ها توسط تصاویر رسانه‌های مختلف، از آگهی‌های بازرگانی و کارتون گرفته تا تابلوهای تبلیغاتی، بمباران می‌شود و جالب توجه اینکه از هر کدام از این تصاویر دریافت خاص خود را دارد و به‌طور ذاتی متفاوت با دیگران تفاسیر، احساسات، و ایده‌های گوناگون خود را در مورد پیام‌های رسانه‌ای مورد استفاده در کلاس مطرح می‌کند. در این میان، مربی می‌تواند در نقش راهنمای عمل و در چارچوب مدل «چه» و «چرا» گفت‌وگوی خود را جهت ایجاد بستر مناسب برای آموزش سواد بصری به مخاطبانش سامان بخشد:

- فاطمه‌السادات، از این تصویر چه می‌فهمی؟
 - صدف، از این تصویر چه متوجه می‌شوی؟
 - بچه‌ها چرا آنچه صدف از این تصویر فهمید با آنچه که فاطمه‌السادات فهمید متفاوت است؟ کدام‌یک درست جواب دادند؟
 مربیان می‌دانند که «هر دو جواب درست است» و هیچ تفسیری واحد از یک پیام رسانه‌ای تصویری وجود ندارد؛ چرا که فیلم، عکس و دیگر تصاویر، نمایش تصور انسان از واقعیات، خیالات یا مفاهیم است که وقتی در معرض دید دیگران قرار گرفت تصویری مشابه و یا متفاوت برای آن‌ها ایجاد می‌کند، لیکن با در نظر گرفتن اشتراک نظر جمعی و عمومی، مربی در چارچوب به‌کارگیری حواس، تخیل، و ایجاد فرصت‌های کاوشگرانه ضمن بسترسازی جهت رشد تفکر واگرا در نوآموزان به ایجاد فضای گفت‌وگویی در کلاس حول این نظرگاه‌ها اهتمام می‌ورزد. البته برخی از اجزای اساسی سواد بصری وجود دارند که مربی می‌تواند با در پیش گرفتن شیوه‌هایی به تقویت آن‌ها در کلاس مبادرت ورزد که عبارت‌اند از:
 - مشاهده دقیق جزئیات،
 - فهم زمینه،
 - عادت استنتاج از اطلاعات محدود.
 برای تقویت اجزای یادشده، طی طریق زیر پیشنهاد می‌شود:
۱. شروع با یک تجربه: مربی ابتدا تصاویری از یک کتاب یا رسانه دیگر انتخاب می‌کند و پس از متمرکز نمودن بحث درباره موضوع برای هر تصویر از نوآموزان می‌پرسد:
 ۱/۱. از دیدن این تصویر چه احساسی دارید؟
 ۱/۲. در این تصویر چه اتفاقی افتاده است؟
 ۱/۳. چه کسی این تصویر را خلق کرده است؟
 ۱/۴. چگونه این تصویر توسط خالق



ممارست و تشریک مساعی
نوآموز و مربی پیش دبستانی
در فرایند یاددهی - یادگیری
سواد بصری، اگر بیش از
آموزش حروف الفبا در دوره
ابتدایی نباشد کم از آن ندارد

- عدم تحول شخصیت‌ها

افسرده، پرخاشگر و سردنشان داده شدن کاراکترهای عاقل ولی شاد و سرحال، و با رنگ‌های گرم نمایش داده شدن بی‌فکرها (مانند پاتریک).

در این مرحله، مربی در یک ارتباط درون‌فردی به دنبال پاسخگویی به پرسش‌هایی است که بر مقایسه تفاسیر نوآموزان از تصویر تمرکز دارد، مانند اینکه چه نکات قابل توجهی درباره بازخوردهای کلامی و غیرکلامی کودکان پس از مشاهده فیلم وجود دارد؟ چگونه اطفال از تجربه زندگی و تجربه تعامل با رسانه برای ساخت تفاسیر بهره می‌گیرند؟ بازخوردهای من مربی ممکن است چه تأثیری بر کیفیت تفسیر کودکان داشته باشد؟ چگونه می‌توان از سواد بصری برای تقویت ارتباط کلامی و غیرکلامی نوآموزان بهره‌مند شد؟

۴. فعالیت، ایجاد و اقدام: مربی از کودکان می‌خواهد تفسیر خود را از تصویر رسانه در قالب یک یا چند فعالیت از جمله نقاشی، کار دستی، بازی و نمایش در کلاس در معرض دید قرار دهند. سپس، به همراه دیگر نوآموزان به بحث در مورد نمونه‌ها و انتخاب بهترین‌ها می‌پردازد. او واقف است که در تمامی این مراحل نباید از بیان جملات هدایت‌کننده و الهام‌بخش درباره نحوه تفسیر کردن تصویر به نوآموزان غافل شود.

منابع

۱. داندیس، دونیس، ا. (۱۳۹۲) مبادی سواد بصری. تهران: انتشارات سروش، چاپ سی و پنجم.
۲. فلسفی، سیدغلامرضا، (۱۳۹۴) «پدر، مادر، رسانه، ما متهمیم». فصلنامه رشد پیش‌دبستانی. دوره ششم، شماره ۴: ۲۹-۲۸.
۳. محسنیان‌راد، مهدی. (۱۳۸۴) ایران در چهار کپکشان ارتباطی. دوره سه‌جلدی. تهران: انتشارات سروش.
4. <http://falsafi91.blogfa.com/post/204>
5. <http://infocom.blogsky.com/1394/05/05/post-51>
6. <http://lahig.ir/fa/pages/?cid=7495>
7. <http://powerfulvoicesforkids.com/ideas/interpreting-creating-photos>
8. <http://prir.ir/page/5187>

آن ساخته شده است؟

۱/۵. آیا این تصویر شما را سرگرم می‌کند؟
۱/۶. آیا این تصویر شما را برای انجام دادن کاری متقاعد می‌کند؟
۱/۷. آیا این تصویر درباره موضوعی به شما اطلاع‌رسانی می‌کند؟

۲. کاوش نمونه: فیلمی کوتاه در کلاس به نمایش درمی‌آید و مربی به نوآموزان کمک می‌کند تا ضمن تجزیه و تحلیل تصویر، آن را کاوشگرانه مورد مذاقه قرار دهند. آنچه در این بخش حائز اهمیت است، ایجاد زمینه جهت شناخت نشانه‌های تصویری توسط طفل است. طی فرایند تجزیه و تحلیل پیام‌های رسانه‌ای، مربی تلاش می‌کند بدون ارائه قرائت خود از تصویر، هدایت‌گرایانه توجه کودک را به نشانه‌هایی که نشان‌دهنده موضوعاتی چون قدرت، خشونت، تبلیغات و کلیشه‌های جنسیتی هستند، جلب کند. مربی می‌تواند این فعالیت را مبتنی بر عکس و تجزیه و تحلیل آن نیز انجام داده برخی از لحظات ساعت کتاب‌خوانی را به بحث در مورد تصاویر کتاب در قالب تصویرخوانی اختصاص دهد.

۳. مقایسه: پس از طی مراحل قبلی، مربی توسعه تفسیر کودکان از پیام تصویری رسانه را ملاحظه می‌کند و اینجاست که می‌تواند در مقام ارائه نظر خود درباره این تفاسیر برآید. در این مرحله، مربی به نحوی فضای گفتمانی کلاس را طراحی و هدایت می‌کند که نوآموزان در بیان قرائت خاص خود احساس راحتی و امنیت نمایند. بنابراین، مربی به لحاظ ذهنی خود را برای شنیدن تفاسیر غیرمنتظره و حتی ناراحت‌کننده نیز آماده می‌کند. برای مثال، پس از شنیدن تفسیر کودکان درباره کارتون پرمخاطب «باب اسفنجی» برای آگاه‌سازی آن‌ها می‌تواند به مواردی از این قبیل اشاره نماید:

- تعمد در نشان دادن فرایند کثیف‌کاری
- تبلیغ زندگی در تنهایی و دوری از خانواده